

تحلیل اثرات تعاملی حکمرانی خوب و دولت رانتیر بر بی‌ثباتی سیاسی کشورهای عضو اوپک با استفاده از روش گشتار تعمیم‌یافته GMM*

نجات محمدی فر^۱

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران،

بهروز صادقی عمروآبادی^۲

استادیار گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، گروه اقتصاد، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران،

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۴

چکیده

این مقاله به بررسی اثرات تعاملی دولت رانتیر و حکمرانی خوب بر بی‌ثباتی سیاسی کشورهای عضو اوپک پرداخته است. روش آزمون فرضیه‌ها، روش داده‌های پانل پویا (GMM) طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ در کشورهای عضو اوپک است. در این پژوهش از شش مؤلفه کنترل فساد، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین، قانون‌مداری، اعتراض و پاسخگویی و ثبات سیاسی / عدم خشونت با عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب استفاده کرده و به همراه درآمدهای نفتی (رانتی) بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی به صورت جداگانه بررسی شده است. یافته‌ها حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر دولت رانتیر بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی

*- مقاله پژوهشی

۱. نویسنده مسئول: n.mohammadifar@ardakan.ac.ir

2. b.sadeghi@scu.ac.ir
DOI: 10.22067/erd.2021.18817.0

کشورهای اوپک مثبت و معنی‌دار است و تأثیر شاخص‌های پاسخگویی، کارایی دولت، کنترل فساد، حاکمیت قانون و ثبات سیاسی / عدم خشونت بر بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک منفی و معنی‌دار هستند. اثرات تعاملی سه شاخص پاسخگویی، کنترل فساد و حاکمیت قانون به همراه دولت رانتیر نیز بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک منفی و معنی‌دار هستند.

کلیدواژه‌ها: دولت رانتیر، حکمرانی خوب، ثبات سیاسی، اوپک.

طبقه‌بندی JEL: 3033. P16. D02. E02

مقدمه

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اندیشمندان سیاسی و اجتماعی در طی قرن‌ها، عوامل تعیین‌کننده ثبات سیاسی بوده است. به‌طور سنتی، این بحث بر پویایی‌های اقتصاد کلان و متغیرهای آن (تولید ناخالص داخلی، درآمد، انباشت سرمایه و اشتغال) متمرکز بوده است؛ درحالی‌که امروزه، این بحث علاوه بر مفاهیم اقتصادی، شاخص‌های اجتماعی و سیاسی را نیز در بر می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، یک جامعه زمانی کاملاً توسعه‌یافته و باثبات تلقی می‌شود که در کنار توسعه اقتصادی، در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی نیز توسعه‌یافته و این امکان را برای شهروندان فراهم کند تا به شکلی هماهنگ تحول پیدا کنند. دولت‌های رانتیر با استفاده از درآمدهای حاصل از وفور منابع طبیعی می‌توانند بر چالش‌هایی نظیر رشد پایین اقتصادی، فقر و عدم پاسخگویی، فساد و نبود حاکمیت قانون غلبه کرده و ثبات سیاسی خود را تضمین کنند. از طرفی حکمرانی خوب عاملی مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورها به شمار رفته و ترویج آن باعث ایجاد جوامع بازتر و دموکراتیک‌تر نیز می‌شود.

یکی از مباحث رایج در میان اندیشمندان این است که بسیاری از کشورهای دارای منابع طبیعی غنی، یک پارادوکس اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را تجربه می‌کنند؛ این پدیده به عنوان «پارادوکس وفور^۱»، «مدفوع شیطان^۲» یا «نفرین منابع^۳» توصیف می‌شود. صرف‌نظر از چگونگی نام‌گذاری، این استدلال کلی وجود دارد که کشورهای دارای وفور منابع از سطح پایین عملکرد

1. paradox of plenty
2. devil's excrement
3. resource curse

اقتصادی و مشکلات دموکراسی رنج می‌برند (Almaz, 2015: 60).

نگاهی به تجارب تاریخی برخی از کشورها، نشان می‌دهد که وفور منابع طبیعی ممکن است پیامدهای سیاسی خاصی را به دنبال داشته باشد و تنها تعداد کمی از محققان این گزاره را جدی می‌گیرند که تحولات سیاسی در کشورهایی مانند ونزوئلا، نیجریه، عربستان سعودی و بسیاری از کشورهای غنی از منابع، بدون توجه به نقش محوری ثروت منابع طبیعی در آن‌ها می‌تواند درک شود. با این حال، مکانیسم‌هایی که از طریق آن‌ها، وفور منابع طبیعی بر سیاست تأثیر می‌گذارد، تلاش‌ها برای شناسایی تعمیم‌های ساده را ناکام می‌گذارد، درحالی‌که کشورهای غنی از منابع در معیارهای استبداد، دموکراسی و ثبات سیاسی تغییرات زیادی را به نمایش می‌گذارند. به‌عنوان مثال، عربستان سعودی و نیجریه هر دو تمایل شدیدی به حکومت مطلقه دارند اما اولی به‌طور فوق‌العاده باثبات است درحالی‌که دومی ۹ کودتای موفق (و بسیاری کودتاهای ناموفق) را از زمان استقلال تجربه کرده است. همچنین «ونزوئلا بین دموکراسی و استبداد، با نوساناتی که قیمت نفت دنبال می‌کند، عقب و جلو می‌رود، درحالی‌که نروژ بدون در نظر گرفتن قیمت نفت دارای امنیت و ثبات دموکراتیک است» (Caselli & Tesei, 2016: 1).

بنابراین می‌توان استدلال کرد که وفور منابع طبیعی تأثیری بر نظام‌های سیاسی دموکراتیک ندارند. با این حال، این ثروت بادآورده پیامدهای سیاسی قابل توجهی در نظام‌های خودکامه به همراه دارد. به‌طور خاص، زمانی که یک نظام خودکامه یک شوک مثبت را از جریان رانت منابع دریافت می‌کند، آن را با قدرت استبدادی بیشتر پاسخ می‌دهد. مهم‌تر اینکه، ناهمگونی در این پاسخ‌ها وجود دارد: در نظام‌های شدیداً خودکامه، اثرات ثروت‌های بادآورده در سیاست تقریباً صفر است اما در استبدادهای معتدل ثروت‌های بادآورده، ماهیت نظام سیاسی خودکامه را دستخوش تغییر می‌کند. با توجه به این مباحث، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که تعامل حکمرانی خوب و دولت رانتیر بر بی‌ثباتی سیاسی کشورهای عضو اوپک چه تأثیری دارد؟ در این مقاله، استدلال می‌شود که درآمدهای حاصل از صادرات انرژی و حکمرانی خوب می‌تواند ثبات سیاسی را در کشورهای عضو اوپک به ارمغان آورد.

پیشینه پژوهش

جهت غنی‌تر شدن محتوای مقاله حاضر تلاش می‌شود در ادامه به مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته است به‌طور مختصر اشاره شود:

مکوندی و همکاران (Makvandi et al., 2019) در مقاله‌ای با عنوان «ادراک شهروندان از شاخص‌های ثبات سیاسی و جابه‌جایی سیاسی در حکمرانی خوب، بر اساس مؤلفه‌های بومی سازمان‌های خدمات شهری ایران» به این نتایج رسیدند که قانونمندی، کیفیت خدمات، نظارت و ارزیابی، پاسخگویی، تعهد و مسئولیت‌پذیری و درنهایت تعامل مهم‌ترین شاخص‌های ثبات سیاسی در سازمان‌های مذکورند. همچنین، جابه‌جایی و تنوع انتخاب، شایسته‌سالاری، نظارت مؤثر، چابک‌سازی ساختار اداری و شفافیت در انتخاب مدیران به ترتیب مهم‌ترین شاخص‌های جابه‌جایی سیاسی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان بودند.

میره‌بیگی (Mirebeigi, 2016) در پژوهشی نشان داد که نظریات رانتیرسم دارای محدودیت‌هایی جدی است، زیرا یک حکومت بیشتر رانتیر لزوماً غیردموکراتیک و با حکمرانی نامناسب عمل نمی‌کند و برعکس یک حکومت کمتر رانتیر، حکمرانی مناسب‌تری ندارد.

معینی‌فرد و مهرآرا (Moeinifard & Mehrara, 2015) در پژوهشی با تفکیک کشورهای درحال توسعه به دو گروه کشورهای با درآمد سرانه بالا و پایین، نشان دادند که کشورهای با درآمد بالاتر، در تبدیل ثروت ناشی از منابع به شرایط حکمرانی بهتر و رشد و توسعه اقتصادی، موفق‌تر عمل نموده‌اند.

محسنی زنوزی و همکاران (Mohseni Zonouzi et al., 2015) در پژوهشی نشان دادند که درآمدهای نفتی اثر منفی و معناداری بر شاخص حکمرانی خوب داشته و حاکی از تأثیر منفی و معنادار درآمدهای نفتی بر شاخص‌های کنترل فساد، ثبات سیاسی و اعتراض و پاسخگویی است. از سوی دیگر، درآمدهای نفتی بر روی اثربخشی دولت و کیفیت قوانین اثر منفی و روی قانون‌مداری اثر مثبت داشته، اما این تأثیرات معنادار نبوده است.

پلیزو (Pelizzo, 2020) در مقاله‌ای با عنوان «حکمرانی خوب و تغییر نظام حزبی» به سه نتیجه مهم دست یافت: اول اینکه، ثبات یک سیستم حزبی به شدت و به‌طور قابل توجهی با هر کدام از شاخص‌های حکمرانی خوب (حاکمیت قانون، کیفیت نظارت، توانایی کنترل فساد، پاسخگویی و کارآیی دولت) مرتبط است. دوم اینکه، درحالی‌که بی‌ثباتی سیستم حزبی به میزان قابل توجهی وابسته به ثروت کشور نیست، حتی در صورت کنترل اثرات حکمرانی خوب، تأثیر مثبتی بر رشد

اقتصادی خواهد داشت. سوم اینکه، حکمرانی خوب به اندازه کافی پیش‌بینی‌کننده عملکرد اقتصادی خوب است.

اونی و اکسلنس اولی (Oni & Excellence-Oluye, 2019) در پژوهشی به بررسی مفهوم حکمرانی و رهبری می‌پردازند و با اتکا بر داده‌های ثانویه، این پدیده را در نیجریه تجزیه و تحلیل می‌کنند. از دیدگاه آن‌ها رهبری و حکمرانی خوب برای دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هر جامعه سیاسی به‌عنوان یک ضرورت شناخته شده است؛ اهمیت رهبری برای حکمرانی از این واقعیت ناشی می‌شود که رهبری خوب جوهر و معیار حاکمیت را تعیین می‌کند. یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که تاریخ نیجریه مملو از حکمرانی و رهبری است که در اکثر موارد فاقد بینش لازم و غالباً گرفتار فساد و منازعات سیاسی شده‌اند که منجر به سوءاستفاده از سلطنت و سوءمدیریت منابع عمومی و به تبع آن ناامنی، عقب‌ماندگی اقتصادی و فقر مطلق شده است.

دیویس (Davis, 2017) در پژوهشی نشان داد که رابطه معنی‌داری بین معیارهای حکمرانی خوب و توسعه انسانی وجود دارد. سیاست‌ها و اقدامات صورت گرفته با هدف بهبود اثربخشی دولت و ثبات سیاسی، مهم‌ترین تأثیر را در توسعه انسانی و کاهش فقر خواهند داشت.

گینه (Gyene, 2016) در پژوهشی نشان می‌دهد که دو کشور قزاقستان و ترکمنستان در مقیاس کامل رانتیر هستند و دارای نظام‌های سیاسی نئوپاتریمونیال با ثبات هستند. در حالی که قرقیزستان و تاجیکستان که از نظر منابع طبیعی فقیر هستند ممکن است به عنوان دولت‌های نیمه‌رانتیر توصیف شوند. آن‌ها از نظر سیاسی بی‌ثبات‌ترند و دارای نظام‌هایی کاملاً اقتدارگرا و الیگارشیک هستند. ازبکستان با اقتصاد بسته خود، با نشان دادن تمایل به خودکفایی اقتصادی، یک رژیم سیاسی بالقوه ناپایدار است؛ بنابراین، در آسیای میانه، دولت رانتیر بر ثبات سیاسی رژیم‌های واقعی تأثیر می‌گذارد.

دورو (Duero, 2009) در مطالعه‌ای با عنوان «دولت رانتیر در ایران: رانت‌گرایی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی» بر این اعتقاد است که از سال ۱۹۷۹، جمهوری اسلامی ایران توانسته است قدرت خود را تحکیم و متمرکز کند، اقتدار خود را بر جمعیت داخلی اعمال کند و نفوذ بیشتری در خاورمیانه پیدا کند. این مسائل در کنار افزایش جمعیت و تشدید مشکلات اقتصادی رخ داده است با این حال، دولت ایران توانسته است ضمن پیگیری سیاست خارجی محکم‌تر در خارج از کشور، ثبات سیاسی را در داخل نیز حفظ کند. تحریم‌های اقتصادی، انزوای بین‌المللی و سیاست‌های مهار

محدود ظاهراً تأثیر چندانی در تضعیف دولت ایران نداشته است؛ بنابراین، چه عواملی در حفظ ثبات دولت در زمان شوک سیاسی و اقتصادی نقش داشته است؟ نویسندگان تأثیرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را بررسی می‌کند و معتقد است که توسعه اقتصادی ناشی از رانت نفت در این زمینه مؤثر بوده است.

ادبیات نظری

ثبات و بی‌ثباتی سیاسی

در یک دهه گذشته، نقش ثبات سیاسی به عنوان محرک جریان توسعه یافتگی، به یک زمینه مهم تحقیق تبدیل شده است (Venancio de Vasconcelos, 2020:2)؛ بنابراین مهم‌ترین دغدغه هر حکومت و نظام سیاسی دستیابی به ثبات و امنیت پایدار است (Zarghani et al., 2014: 76). ثبات سیاسی معمولاً به عنوان فقدان تغییرات قابل توجه و تداوم یک سیستم سیاسی تعریف می‌شود (Nir & Kafle, 2013: 112). در اصل، ثبات سیاسی یک پدیده چندبعدی است (Goldsmith, 1987: 474) که بازتاب منظم جریان مبادلات سیاسی است (Ake, 1975: 272). توجه به این نکته مهم است که ثبات سیاسی به معنای فقدان تغییرات نیست؛ بلکه دامنه و نوع تغییرات است که تعیین می‌کند تا چه اندازه یک سیستم سیاسی باثبات تلقی شود؛ از این رو، تغییر اجباری و اساسی برای ایده بی‌ثباتی ضروری است (Dowding & Kimber, 1983: 236). در حالی که اندیشمندان مختلف هنگام اشاره به ثبات سیاسی به شاخص‌های مختلفی اشاره می‌کنند، اصلی‌ترین و متداول‌ترین بُعد آن ماندگاری و ثبات دولت است (Dowding & Kimber, 1983: 230; Gurr, 1974: 144). می‌توان گفت «ثبات سیاسی یک اصطلاح کاملاً بحث‌برانگیز است و نشانگر ابهام و سردرگمی موجود در تحقیقات علوم سیاسی در مورد شکل‌گیری این مفهوم، کاربرد و اندازه‌گیری آن است» (Young, 2020: 2). با این حال از آنجایی که موضوع بی‌ثباتی سیاسی مورد توجه اندیشمندان سیاسی بوده است، هر یک سعی نموده فهرست عوامل تأثیرگذار بر ثباتی سیاسی را ارائه دهد که در بخش عمده‌ای از آن‌ها اشتراک نظر وجود دارد این عوامل را می‌توان در سه دسته متغیرهای سیاسی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصادی طبقه‌بندی کرد:

جدول ۱- متغیرهای اثرگذار بر بی‌ثباتی سیاسی

متغیرهای اقتصادی	متغیرهای اجتماعی - فرهنگی	متغیرهای سیاسی
نابرابری، فقر و محرومیت	تنوع قومی مذهبی و انسجام یافتن گروه‌های اقلیت	ترور، قتل، تصفیه یا پاک‌سازی سیاسی
افزایش تورم و ناامنی اقتصادی	شهرنشینی	آشوب، تظاهرات، کودتا، جنگ داخلی و انقلاب
کاهش منابع مالی و کاهش ارزش ارز و تضعیف شاخص‌های بازار پولی و مالی	کاهش انسجام اجتماعی	قانون‌ستیزی مجریان قانون
کاهش نرخ رشد اقتصادی	جمعیت و ویژگی‌های کمی و کیفی آن (بی‌سواد و غیره)	تنش‌های سیاسی در زمان برگزاری انتخابات، تقلب و ...
افزایش انتظارات	فقدان هویت ملی منسجم	رقابت سیاسی و نزاع بر سر قدرت و نوع ایدئولوژی
کاهش سطح رفاه عمومی	تضعیف تاریخ و بنیان‌های تمدنی مشترک یک ملت	کاهش یا فقدان مشروعیت و نفوذ حاکمیت
فساد اقتصادی و تجارت مواد مخدر	بی‌عدالتی اجتماعی	بالا بودن نرخ فساد سیاسی - اداری
تغییر قیمت نفت	درگیری‌های مدنی	نقش و دخالت آشکار پلیس در زندگی شهروندان
رشد GDP	مهاجرت نخبگان (فرار مغزها)	اقدامات تروریستی و تجزیه‌طلبانه

(Zarghani et al., 2014)

دولت رانتیر

ایده دولت رانتیر، نخستین بار توسط حسین مهدوی (Hossein Mahdavy) در سال ۱۹۷۰ مطرح شد و بعدها توسط بیلای و لوسیانی در مجلدی ویرایش شده در سال ۱۹۸۷ چاپ شد. ادبیات مربوط به دولت رانتیر با این مشاهدات آغاز شد که درآمد کشورهای تولیدکننده نفت نه از طریق مالیات، بلکه از طریق رانت‌های تولید شده که منشأ خارجی دارند بستگی دارد (Beblawi & Luciani, 1987: 41). هدف اولیه این ادبیات، درک معمای تداوم توسعه‌نیافتگی در بین کشورهای صادرکننده نفت بود. رانتیرسم از طریق درصد کل درآمد دولت که توسط رانت نفت حاصل می‌شود، اندازه‌گیری شده است. به‌عنوان مثال، لوسیانی استدلال کرد که کشورهایی که حداقل ۴۰ درصد از درآمد اقتصادی آن‌ها به نفت متکی است باید به عنوان دولت‌های رانتیر طبقه‌بندی شوند (Beblawi & Luciani, 1987: 77). بر اساس این تعریف، مایکل هرب کشورهای زیر را در خاورمیانه به عنوان دولت‌های رانتیر برای دوره زمانی بین ۱۹۷۲ و ۱۹۹۹ مشخص کرد: کویت (۸۸٪)؛ قطر (۸۷٪)؛ امارات متحده عربی (۸۴٪)؛ عمان (۸۱٪)؛ عربستان سعودی (۸۰٪)؛ بحرین (۵۹٪)؛ لیبی (۵۸٪)؛ عراق (n/a)؛ ایران (۵۵٪)؛ الجزایر (۵۳٪)؛ یمن (۴۶٪) (Herb, 2005: 299).

نظریه دولت رانتیر را می‌توان به‌عنوان زیرمجموعه نظریه نفرین منابع در نظر گرفت (Almaz, 2015: 61). این مفهوم با توجه به کشورهای تولیدکننده نفت خاورمیانه مانند ایران و پادشاهی‌های خلیج فارس توسعه یافته است (Madhavy, 1970; Beblawi & Luciani, 1987; Smith, 2004: 233-235) و معتقد است که کارکرد اصلی دولت در اقتصادهای رانتی توزیع رانت است. نظریه دولت رانتیر رکود اقتصادی، فساد و اقتدارگرایی را ویژگی‌هایی ذاتی برای اقتصاد سیاسی رانت می‌داند (Basedau & Lay, 2009: 758). به گفته بیلاوی، برای اینکه یک دولت را به‌عنوان دولت رانتیر یا رانت‌جو بنامیم، باید خصوصیات خاصی از جمله تسلط رانت در اقتصاد دولتی، خارجی بودن رانت و مشارکت محدود افراد در تولید رانت را داشته باشد (Beblawi, 1990: 85-99)؛ بنابراین، دولت رانتیر را می‌توان به‌عنوان دولتی تعریف کرد که در آن رانت توسط بازیگران خارجی پرداخت می‌شود و دولت تنها دریافت‌کننده آن است و تعداد کمی درگیر تولید این رانت هستند و اکثریت در توزیع یا بهره‌برداری از آن دخیل هستند (Ross, 2001: 329). اگرچه این تعریف ممکن است به درک این مسئله منجر شود که رانت می‌تواند محصول وام یا کمک‌های بازیگران خارجی باشد، اما مفهوم دولت رانتیر معمولاً برای کشورهایی که از منابع غنی خود رانت می‌دهند استفاده شده است. به‌عنوان نمونه‌ای از دولت رانتیر، بیلاوی استدلال می‌کند که بیشتر منابع غنی از کشورهای خاورمیانه، به‌ویژه عربستان سعودی و کویت، می‌توانند به‌عنوان برتری نسبی دولت‌های رانتی در نظر گرفته شوند، زیرا آن‌ها از رانت منابع بسیار زیادی برخوردار بوده‌اند (Beblawi, 1990: 89). علاوه بر کشورهای خاورمیانه، آفریقای شمالی و برخی از کشورهای غنی از منابع آمریکای لاتین از جمله لیبی، نیجریه و ونزوئلا به‌عنوان دولت‌های رانتیر شناخته می‌شوند (Kuru, 2008). این تعاریف از مفهوم دولت رانتیر، اهمیت حیاتی این مسئله را نشان می‌دهد که دولت رانتیر باعث نفرین منابع می‌شود و تأثیر رانت بر زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشورهای دارای وفور منابع را بیان می‌کند. به‌منظور تحلیل این موضوع، مایکل راس (Ross, 2001) چارچوبی را ارائه می‌کند که بر اساس آن، استدلال می‌کند که تأثیرات دولت رانتیر را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد:

(۱) **اثر رانتیر:** بر اساس استدلال راس، می‌توان این‌گونه ادعا کرد که دولت‌های غنی از منابع تمایل به استفاده از رانت برای کاهش فشار اجتماعی دارند و در این روش استقلال بیشتری در مقابل عموم به دست می‌آورند (Ross, 2001: 329). وی همچنین اظهار داشت که رفتار دولت

رانتیر را می‌توان به سه صورت توضیح داد:

الف) اثر مالیات: اثر مالیات فرض می‌کند از آنجا که درآمد کافی حاصل از صادرات انرژی به خزانه دولت جریان می‌یابد، دولت‌ها در تلاش برای آماده کردن فضا جهت کسب درآمدهای مالیاتی نیستند (چون درآمدهای صادرات انرژی را دارند)؛ بنابراین، مردم کمتر خواستار دموکراسی و پاسخگویی هستند. دلیل عدم تمایل شهروندان برای بلند کردن صدای دموکراسی را می‌توان با رویه‌های تاریخی توضیح داد. ایده کلی این است که دولت را از وظایف نمایندگی دموکراتیک و پاسخگویی رها می‌کند تا مالیات‌های جدید و بیشتری را تحمیل کند؛ به عبارت دیگر، وضعیتی به وجود می‌آید که «بدون مالیات هیچ نمایندگی» در دولت‌های رانتیر وجود ندارد؛ بنابراین استدلال می‌شود که سیستم مالیاتی در دولت‌های رانتیر باعث می‌شود شهروندان کم‌تر خواهان مشارکت سیاسی شوند (Bebawi, 1990: 85-99). عدم مشارکت سیاسی، دولت را قادر می‌سازد که از قدرت خود سوءاستفاده کند تا بتواند از طریق رفتارهای رانت‌خواهانه، جیب خود را پر کند (Rosser, 2006: 15)؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که احتمالاً فساد ادارات دولتی به دلیل رفتار رانت‌خواهانه دولت‌ها رخ داده است. علاوه بر این، سطح پایین مالیات باعث کاهش تمایل دولت برای برآوردن مطالبات مردم نسبت به دموکراسی می‌شود. به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌های رانتیر از مشکلات دموکراسی رنج می‌برند.

ب) اثر هزینه: اثر هزینه این است که دولت‌ها از برنامه‌های رفاه اجتماعی حامی‌پروری (آموزش، بهداشت و غیره)، سیستم یارانه بخش‌های خاص (یعنی انرژی و کشاورزی) و ایجاد فرصت‌های شغلی در بخش منابع از رانت استفاده می‌کنند تا مشروعیت خود را قانونی جلوه دهند (Meissner, 2010: 11). به علاوه، حکام مشروعیت خود را از طریق رانت به جای انتخابات آزاد، در شبکه‌های حامی - پیرو سرمایه‌گذاری می‌کنند تا از ظهور خواسته‌های دموکراتیک شهروندان جلوگیری کنند (Ross, 2001: 329)؛ بنابراین، می‌توان ادعا کرد که رژیم‌های اقتدارگرا تا زمانی که رانت به خزانه دولت می‌رسد، قدرت خود را در کشورهای رانتی حفظ می‌کنند. همچنین، می‌توان ادعا کرد که بیشتر شهروندان در دولت‌های رانتی به دلیل هزینه دولت برای برنامه‌های اجتماعی مورد پسند آن‌ها، مطیع بیشتر نخبگان حاکم می‌شوند.

ج) اثر تشکیل گروه: این اثر نشان می‌دهد که دولت‌های رانتیر تمایل به تشکیل گروه‌های حامی - پیرو برای جلوگیری از تشکیل گروه‌های اجتماعی مستقل از دولت دارند (Ross, 2001:)

334). به بیان دیگر، مخالفت با وضع موجود یا تشکیل گروه‌های اجتماعی مستقل به احتمال زیاد توسط دولت‌ها سرکوب می‌شود زیرا آن‌ها به عنوان تهدیدی برای موجودیت دولت‌ها تلقی می‌شوند. چودری (Chaudrhy)، فقدان جامعه مدنی و نهادهای مدنی مستقل در دولت‌های رانتی مانند عربستان سعودی، عراق و لیبی را با «تأثیر تشکیل گروه» توضیح می‌دهد (Chaudrhy, 1994: 19). می‌توان ادعا کرد که رفتار رانتیر از این طریق حضور جامعه مدنی را که پیش شرط لازم برای یک کشور دموکراتیک است تضعیف می‌کند.

۲) **اثر سرکوب:** درآمدهای رانتی به دولت‌ها این امکان را می‌دهد تا برای تقویت قدرت خود و جلوگیری از آرمان‌های دموکراتیک، هزینه‌های بیشتری را صرف امنیت داخلی کنند. علاوه بر این، حمایت از استخراج منابع برای دولت‌های رانتیر از اهمیت اساسی برخوردار است به همین دلیل احتمالاً سرمایه‌گذاری در دستگاه‌های امنیتی برای محافظت از این منابع ایجاد می‌شود (Billon, 2005: 15)؛ لذا ادعا می‌شود که داشتن نیروهای نظامی بزرگ‌تر برای تقویت دولت استبدادی و حمایت از منابع، یکی دیگر از ویژگی‌های دولت رانتیر است. به گفته راس، دو دلیل برای وجود نیروهای بزرگ نظامی در دولت‌های رانتی وجود دارد: استدلال اول این است که دولت‌های رانتیر بیشتر در معرض قیام‌های مردمی قرار دارند و این قیام‌ها را به عنوان یک چالش برای اقتدار خود تلقی می‌کنند؛ از این رو، هرچه نیروهای نظامی بیشتری داشته باشند، سرکوب مخالفان راحت‌تر است. استدلال دوم حاکی از آن است که فراوانی منابع ممکن است منجر به درگیری‌های قومی یا منطقه‌ای نه تنها در دولت بلکه همچنین بین کشورها شود (Ross, 2001: 336). به طور خاص، اگر منابع انرژی در منطقه‌ای متشکل از گروه‌های اقلیت متمرکز شده باشند، استخراج منابع ممکن است منجر به درگیری شود زیرا همه به طور طبیعی برای استفاده بیشتر از منابع انرژی رقابت می‌کنند؛ بنابراین، نیروی مرکزی مجهزی برای جلوگیری از وقوع هرگونه درگیری در مناطق غنی از منابع برای امنیت زیرساخت‌های انرژی، ضرورت دارد.

۳) **اثر نوسازی:** راس اثر مدرنیزاسیون را از اینگلههارت (Englehart) به عاریت گرفت. با وجود این واقعیت که اثر نوسازی به طور مستقیم با ثروت منابع در ارتباط نیست، اینگلههارت استدلال می‌کند که دموکراسی «مجموعه‌ای از تغییرات اجتماعی و فرهنگی از جمله تخصص شغلی، رشد شهرنشینی و افزایش میزان تحصیلات است که به نوبه خود ناشی از توسعه اقتصادی است» (Ross, 2001: 334). به بیان دیگر، اگر توسعه اقتصادی حاصل از ثروت منابع، زمینه ایجاد

تغییرات اجتماعی و فرهنگی را فراهم نکنند، دموکراتیزاسیون رخ نخواهد داد. راس با استفاده از روش‌های کمی دیدگاه اینگلهارت را مورد آزمون قرار داد. اصولاً دو استدلال برگرفته از کار اینگلهارت است: اولین مسئله این است که تحصیلات بالاتر منجر به افزایش قدرت سخنوری شهروندان می‌شود. دوم اینکه، افزایش تخصص شغلی، نیروی کار مستقل بیشتری ایجاد خواهد کرد که قطعاً قدرت چانه‌زنی کار در مقابل نخبگان سیاسی را تقویت خواهد کرد. به عبارت دیگر، اگر هر دو (سطح تحصیلات عالی و تخصص بیشتر شغلی) اتفاق بیفتند، دولت دموکراتیک‌تر خواهد شد. راس با آزمون این دو استدلال، هیچ رابطه علی مستقیمی بین دموکراسی و رشد شهرنشینی و تحصیلات پیدا نکرد (Almaz, 2015: 66). با این حال، می‌توان استدلال کرد که تأثیر مدرن‌سازی هنوز می‌تواند برای توضیح اینکه چرا بسیاری از دولت‌های رانتیر دارای سطح بالایی از تولید ناخالص داخلی هستند؛ درحالی‌که دارای سطوح پایین تحصیلات و شرایط بهداشتی هستند، مورد استفاده قرار گیرد.

نفرین منابع

قبل از دهه ۱۹۸۰، دیدگاه سنتی تأکید می‌کرد که بین فراوانی منابع طبیعی و توسعه اقتصادی رابطه مثبت وجود دارد. در این راستا، گینزبرگ (Ginsburg)، اظهار داشت که «برخورداری از یک موهبت مهم و متنوع از منابع طبیعی یک مزیت بزرگ برای هر کشوری است که به دوره‌ای از رشد اقتصادی سریع مبادرت می‌کند» (Rosser, 2006: 268). روستو، دیدگاه مشابهی را منعکس کرد و ادعا کرد که «مواهب منابع طبیعی، کشورهای درحال توسعه را قادر می‌سازد که مرحله «خیز» صنعتی را تحقق بخشند، دقیقاً همان‌گونه که استرالیا، آمریکا و انگلیس موفق به انجام آن شدند» (Rostow, 1961: 4-16). همچنین اندیشمندان دیگری بر اهمیت داشتن منابع طبیعی برای رشد اقتصادی در کشورهای درحال توسعه تأکید می‌کنند (Almaz, 2015: 60). اگرچه ایده غالب در مورد رابطه بین داشتن منابع طبیعی فراوان و توسعه تا دهه ۱۹۸۰ خوش‌بینانه بود، اما دیدگاه‌های بدبینانه بین دانشمندان اقتصاد سیاسی رشد کرد. از اواخر دهه ۱۹۸۰، تعداد قابل توجهی از ادبیات ظهور کردند و دیدگاه سنتی را به چالش کشیدند. رویکرد جدید که «نفرین منابع» نامیده می‌شود، بیان کرد کشورهایی که از منابع طبیعی غنی برخوردارند احتمالاً عملکرد ضعیف اقتصادی، فساد، اقتدارگرایی، سطح پایین دموکراسی و جنگ داخلی را تجربه خواهند کرد (Auty, 2001: 839-849).

منابع» را معرفی کرد. این نظریه، بیان می‌کند که بر اساس شواهد جدید نه تنها بسیاری از کشورهای در حال توسعه غنی از منابع از موهبت‌های مطلوب بهره‌مند نمی‌شوند؛ آن‌ها در واقع ممکن است از کشورهای دارای موهبت‌های کمتر عملکرد بدتری داشته باشند (Auty, 1993: 77-78). علاوه بر این، تحقیقات ساکس و وارنر در مورد تجزیه و تحلیل عملکرد اقتصادی کشورهای غنی از منابع در طی سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۸۹، زمینه را برای افزایش چشمگیر مطالعات نفرین منابع هموار کرد. در نتیجه، مطالعه آن‌ها نشان داد که بین شدت منابع طبیعی و رشد اقتصادی رابطه علی وجود دارد (Sachs & Warner, 1995: 6398).

باید پرسید که دلایل ظهور نفرین منابع چیست؟ به بیان دیگر چه چیزی باعث می‌شود که منابع به جای خیر و برکت برای دولت‌ها نفرین شوند؟ اگرچه پاسخ‌ها در ادبیات نفرین منابع متفاوت بوده است، نظریه دولت رانتیر که در بالا به آن اشاره شد به عنوان یکی از بهترین ابزارهای تحلیلی برای روشن کردن دلایلی که باعث نفرین منابع می‌شوند، ظاهر شده است.

حکمرانی خوب

در رابطه با مفهوم «حکمرانی» و «حکمرانی خوب» تعاریف متنوعی وجود دارد که عمدتاً به دامنه گسترده کاربردهای بالقوه آن نسبت داده می‌شود. گراهام و همکاران (۲۰۰۳) حکمرانی را به عنوان فرآیندی تعریف می‌کنند که به موجب آن جوامع یا سازمان‌ها تصمیم‌های مهم خود را اتخاذ می‌کنند و تعیین می‌کنند که چه کسی در این فرآیند و نحوه پاسخگویی آن دخیل هستند (Graham et al., 2003: 1). واندر والدت (۲۰۱۲) حکمرانی را شامل شبکه‌ای از روابط وابسته بین بازیگران مختلف تعریف می‌کند (Van der Waldt, 2012: 83). به گفته کافمن و همکاران (۲۰۰۴) حکمرانی، سنت‌ها و نهادهایی هستند که توسط آن‌ها اقتدار در یک کشور اعمال می‌شود و همچنین فرایندی است که حکومت‌ها انتخاب و جایگزین می‌شوند، توانایی حکومت برای تدوین و اجرای سیاست‌های صحیح افزایش می‌یابد و احترام شهروندان و دولت برای نهادهایی که بر تعاملات اقتصادی و اجتماعی حاکم هستند را به همراه دارد (Kaufmann et al., 2004: 254).

جدول ۲: اصول حکمرانی خوب، تعاریف و منابع

اصول حکمرانی خوب	تعاریف	منابع
شمول (جامعیت)	همه ذینفعان فرصت دارند تا در تصمیم‌گیری مشارکت کرده و بر آن تأثیر بگذارند. رفاه جامعه بستگی به حصول اطمینان از این دارد که همه اعضای آن احساس کنند که سهمی در آن دارند و از جریان اصلی جامعه مستثنی نیستند. این امر مستلزم این است که همه گروه‌ها، به‌ویژه آسیب‌پذیرترین اقشار جامعه، فرصت‌هایی برای بهبود یا حفظ رفاه خود داشته باشند.	Lockwood et al. (2010); Pomeranz & Stedman (2008); Stedman (2020)
انصاف	هیئت حاکمه در فرایند تصمیم‌گیری، به نظرات مختلف ذینفعان بدون تعصب احترام می‌گذارد و توزیع هزینه/سود را در نظر می‌گیرد.	Lockwood et al. (2010); Pomeranz & Stedman (2020)
اثربخشی و کارایی	فرآیندها اهداف خود را محقق می‌سازند درحالی‌که از بهترین منابع استفاده می‌کنند. مفهوم کارایی در چارچوب حکمرانی خوب همچنین شامل استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط‌زیست است.	Graham et al. (2003); Sheng (2009); Unescape (2008); Pomeranz & Stedman (2020); Van Doeveren (2011)
شفافیت	منطق تصمیم‌گیری به‌وضوح انتقال داده می‌شود و اطلاعات آزادانه موجود و در دسترس است. تصمیمات گرفته‌شده و اجرای آن‌ها به شکلی انجام می‌شود که در چارچوب قوانین و مقررات باشد.	Lockwood et al. (2010); Graham et al. (2003); Sheng (2009); Unescape (2008); Pomeranz & Stedman (2020); Van Doeveren (2011)
مشروعیت	به هیئت حاکمه اختیار تصمیم‌گیری بر اساس قانون یا توسط ذینفعان داده می‌شود. اقتدار با تمامیت و درستی مورد استفاده قرار می‌گیرد.	Lockwood et al. (2010); Pomeranz & Stedman (2020)
پاسخگویی	هیئت حاکم مسئولیت‌پذیر است و در قبال تصمیماتش پاسخگو است. این مسئله نشان‌دهنده انجام وظایف است. حکمرانی خوب نیازمند این است که سازمان‌ها و فرآیندها در یک چارچوب زمانی مناسب به همه ذینفعان خدمت کنند. این الزام کلیدی نه‌تنها برای نهادهای دولتی بلکه برای بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی است.	Lockwood et al. (2010); Graham et al. (2003); Sheng (2009); Unescape (2008); Pomeranz & Stedman (2020); Van Doeveren (2011)
اجماع‌نظر	چشم‌انداز استراتژیک؛ نگاه سازنده به آینده. حکمرانی خوب نیازمند میانجیگری منافع مختلف برای رسیدن به یک اجماع گسترده در جامعه است تا نفع همگان حاصل شود. همچنین نیاز به یک چشم‌انداز گسترده و بلندمدت در مورد آنچه برای توسعه پایدار انسانی و چگونگی دستیابی به اهداف چنین توسعه‌ای لازم است.	Graham et al. (2003); Decker et al. (2016); Unescape (2008); Pomeranz & Stedman (2020)
قابلیت	منابع، مهارت‌ها، رهبری، دانش هیئت حاکمه	Lockwood et al. (2010)
مشارکت	مشارکت زنان و مردان در فرآیندهای تصمیم‌گیری شاخصی کلیدی برای حکمرانی خوب است.	Unescape (2008); Pomeranz & Stedman (2020); Van Doeveren (2011)
حاکمیت قانون	مستلزم چارچوب‌های قانونی منصفانه‌ای است که به‌طور بی‌طرفانه اجرا شود. همچنین به حمایت کامل از حقوق بشر، به‌ویژه حقوق اقلیت‌ها نیاز دارد. اجرای بی‌طرفانه قوانین به قوه قضائیه مستقل و نیروی پلیس غیرفاسد نیاز دارد.	Unescape (2008); Pomeranz & Stedman (2020); Van Doeveren (2011)

مأخذ: برگرفته از ادبیات پژوهش

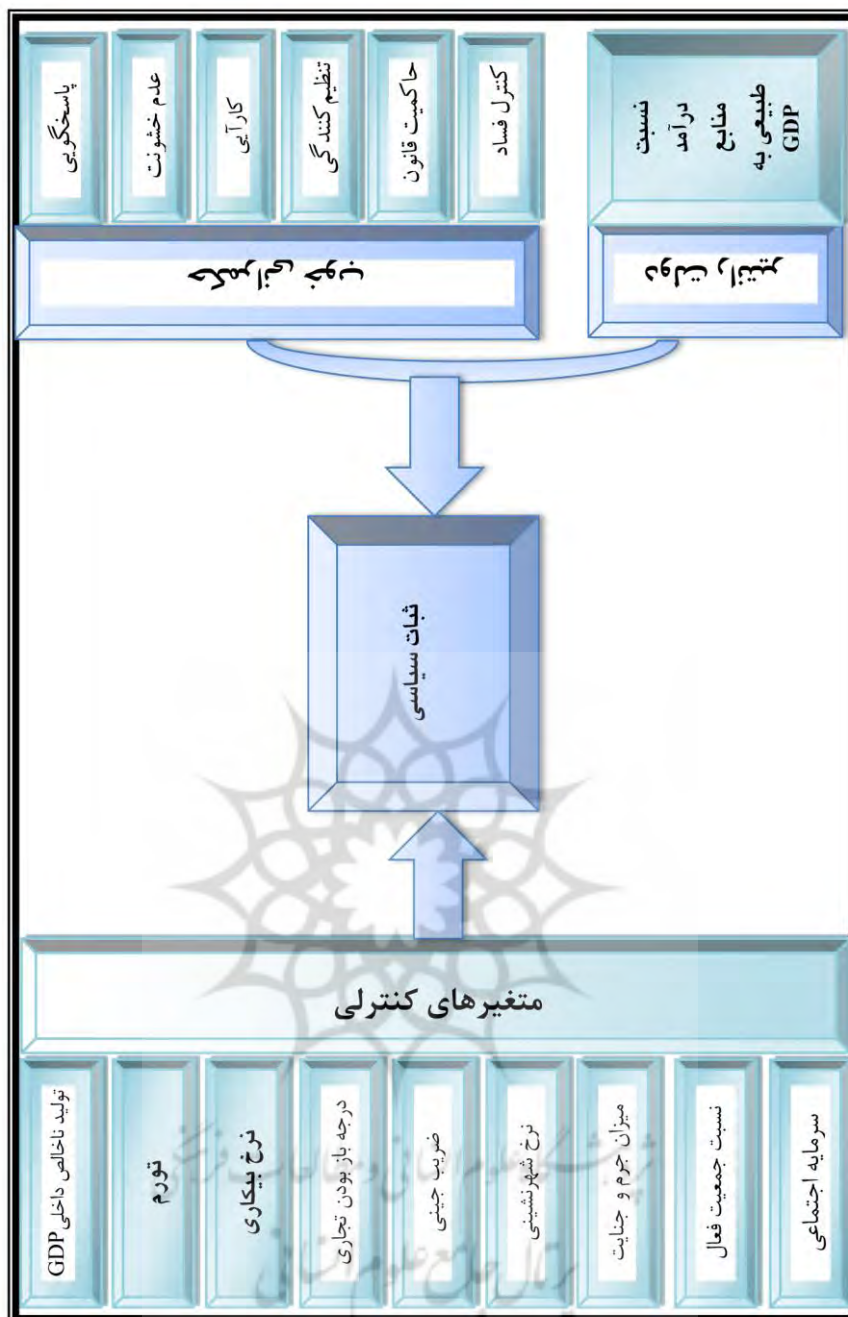
استوکر (۱۹۹۸) حکمرانی را در رابطه با ایجاد شرایطی برای برقراری نظم و کنش جمعی تعریف می‌کند (Stoker, 1998: 23). نقاط اشتراک این تعاریف بیشتر تأکید بر مفهوم «فرآیند» است؛ یعنی نحوه تصمیم‌گیری‌ها و اجرای آن‌ها و چگونگی پاسخگو بودن تصمیم‌گیرندگان. بر این اساس، داوونر (Downer, 2000) حکمرانی خوب را فرآیندی تعریف می‌کند که به موجب آن نهادهای دولتی امور عمومی را اداره می‌کنند، منابع عمومی را مدیریت کرده و تحقق حقوق بشر را تضمین می‌کنند. دانشمندان اصول مختلفی را شناسایی کرده‌اند که منعکس‌کننده شیوه‌های حکمرانی خوب است.

بررسی مطالعات انجام شده و ادبیات نظری پژوهش نشان می‌دهد که در رابطه با اثرات تعاملی دولت رانتیر و حکمرانی خوب بر بی‌ثباتی سیاسی کشورهای عضو اوپک تحقیقات متنوعی صورت گرفته و هر کدام از آن‌ها به بررسی رابطه تعدادی متغیر محدود پرداخته‌اند. از نکات بدیع تحقیق حاضر این است که به صورت جامع و کلی رابطه اثرات تعاملی دولت رانتیر و حکمرانی خوب بر ثبات (بی‌ثباتی) سیاسی کشورهای عضو اوپک را مورد کاوش قرار داده است. در این راستا پژوهش حاضر درصدد است تا مدل تجربی زیر را که مستخرج از ادبیات نظری پژوهش است مورد آزمون قرار دهد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، کاربردی و توصیفی تحلیل با استفاده از مدل اقتصادسنجی با داده‌های پانل (Panel Data) پویا (GMM) می‌باشد که با بهره‌گیری از نرم‌افزار Eviews 10 طی دوره زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ کشورهای عضو اوپک^۱ انجام شده است. این بخش در ابتدا مدل و متغیرهای پژوهش و سپس روش تخمین بیان می‌شود.

۱ - اوپک (OPEC)، یک کارتل بین‌المللی نفتی است که متشکل از کشورهای عراق، آنگولا، امارات متحده عربی، ایران، کنگو، عربستان، قطر، کویت، گابن، لیبی، نیجریه و ونزوئلا است. مقر بین‌المللی اوپک از بدو تاسیس در سال ۱۳۳۹ در ژنو بود و در سال ۱۳۴۴ به شهر وین در کشور اتریش انتقال یافت.



نمودار ۱: مدل مفهومی پژوهش

مدل و متغیرهای تحقیق

با توجه به ادبیات تحقیق مربوط به نفرین منابع طبیعی، دولت رانتیر و تئوری حکمرانی خوب و

همچنین مطالعات تجربی تحقیق، مدل پژوهش به صورت رابطه‌ی ۱ می‌باشد:

$$\begin{aligned} \text{InStab}_{it} = & \alpha_0 + \alpha_1 \text{Rent}_{it} + \alpha_2 \text{GG1}_{it} + \alpha_3 \text{GG2}_{it} + \alpha_4 \text{GG3}_{it} + \alpha_5 \text{GG4}_{it} + \alpha_6 \text{GG5}_{it} + \alpha_7 \text{GG6}_{it} \\ & + \alpha_8 \text{GG1} * \text{Rent}_{it} + \alpha_9 \text{GG2} * \text{Rent}_{it} + \alpha_4 \text{GG3} * \text{Rent}_{it} + \alpha_5 \text{GG4} * \text{Rent}_{it} \\ & + \alpha_6 \text{GG5} * \text{Rent}_{it} + \alpha_7 \text{GG6} * \text{Rent}_{it} + \alpha_8 \text{Controls}_{it} + \varepsilon_{it} \end{aligned} \quad (1)$$

که متغیر وابسته InStab شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای عضو اوپک برگرفته از مؤسسه سرویس‌های ریسک سیاسی (Political Risk Service) می‌باشد. شاخص ریسک سیاسی از این مؤسسه انتخاب شده است که به منظور رتبه‌بندی سه حوزه سرمایه‌گذاری یعنی انتقالات ملی، سرمایه‌گذاری مستقیم و بازارهای صادراتی تبدیل به نمرات الفبائی می‌شود که در نهایت تبدیل به شاخص بین صفر و تا ۱۰۰ شده است. متغیرهای مستقل نسبت درآمدهای ناشی از منابع طبیعی به تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص دولت رانتیر Rent و پنج شاخص حکمرانی خوب (پاسخگویی GG1، کارایی دولت GG2، کنترل فساد GG3، حاکمیت قانون GG4، ثبات سیاسی و عدم خشونت/تروریسم GG5، تنظیم‌کنندگی GG6) که از داده‌های بانک جهانی (WDI 2020) برای کشورهای اوپک اتخاذ شده است. این شاخص‌ها به صورت کامل در ادبیات تحقیق تشریح شده‌اند. همچنین اثرات ضریبی شاخص‌های حکمرانی خوب و شاخص دولت رانتیر به عنوان متغیرهای دیگر مستقل تحقیق می‌باشند. متغیرهای کنترلی Controls تحقیق مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی مبتنی بر ادبیات تحقیق در دو بخش اقتصادی - اجتماعی و سیاسی تقسیم‌بندی شده‌اند. متغیرهای اقتصادی مؤثر بر بی‌ثباتی سیاسی در این مطالعه تولید ناخالص داخلی GDP، تورم INF مبتنی بر شاخص CPI، نرخ بیکاری Unemp، شاخص درجه باز بودن تجاری (نسبت حجم تجارت به تولید ناخالص داخلی) Open و شاخص ضریب جینی Gini به عنوان نابرابری درآمدی. متغیرهای اجتماعی، سیاسی نیز نرخ شهرنشینی Urbun، میزان جرم و جنایت Crime و نسبت جمعیت فعال کشور PoP که از نرم‌افزار WDI بانک جهانی استخراج شده است.

روش تخمین: گشتاورهای تعمیم یافته (GMM)^۱

بسیاری از روابط اقتصادی به‌طور طبیعی پویا هستند و یکی از مزایای داده‌های پانل این است که به پژوهشگران اجازه می‌دهد که پویایی‌های تعدیل را بهتر درک کنند. این روابط پویا با حضور متغیر وابسته وقفه‌دار در بین متغیرهای توضیحی مشخص می‌شوند، یعنی:

$$Y_{i,t} = \alpha + \beta Y_{i,t-1} + \gamma X_{i,t} + \eta_i + \varepsilon_{i,t} \quad (2)$$

Y متغیر وابسته بی‌ثباتی سیاسی، X مجموعه‌ای از متغیرهای توضیحی حکمرانی خوب و دولت رانتیر، η اثر ویژه کشور مستقل از زمان، ε جمله خطا و i و t نشان‌دهنده‌ی واحد مشاهده و زمان می‌باشند. در تخمین معادله (۲) دو موضوع اقتصادسنجی مهم وجود دارد. اولی از معرفی متغیر وابسته وقفه‌دار و اثرات فردی مشاهده نشده مستقل از زمان در معادله است. هسیائو (Hsiao, 1986) نشان داد حذف اثرات فردی ثابت در مدل داده‌های پانل پویا، تخمین‌های سطوح حداقل مربعات معمولی را با تورش و ناسازگار می‌کند. برای مثال، احتمالاً همبستگی مثبت بین متغیر وابسته وقفه-دار $Y_{i,t}$ و اثرات ثابت حذف شده η_i می‌تواند ضرایب تخمین β را به سمت بالا تورش‌دار کند. از طرف دیگر، نیکل (Nickell, 1981) نشان می‌دهد که تخمین زنده‌های درون‌گروهی (Within Groups Estimators) که یک تکنیک تخمین جایگزین برای در نظر گرفتن اثرات ثابت است، تخمین β که به سمت پایین تورش‌دار است را در پانل‌های کوتاه ارائه می‌کند. بنابراین انتظار می‌رود که تخمین سازگار و بدون تورش از β ، بین تخمین سطوح حداقل مربعات معمولی و تخمین درون‌گروهی قرار گیرد. موضوع دوم از درون‌زا بودن بالقوه متغیرهای توضیحی منتج می‌شود. با توجه به معادله متغیرهای سمت راست درون‌زا می‌باشند، بنابراین درون‌زا بودن متغیرهای توضیحی برای اجتناب از تورش بالقوه که به وسیله همزمانی تحلیل می‌شود بایستی کنترل شود. برای حل این مسائل، ارلانو و بوند (Arellano & Bond, 1991) تخمین زنده روش گشتاورهای تعمیم یافته تفاضلی مرتبه اول را پیشنهاد کردند که شامل حذف اثرات ویژه فردی مستقل از زمان η_i با گرفتن تفاضل مرتبه اول از معادله (۴) است. با انجام این عمل خواهیم داشت:

$$Y_{i,t} - Y_{i,t-1} = \beta(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2}) + \gamma(X_{i,t} - X_{i,t-1}) + (\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1}) \quad (4)$$

در این حالت $(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2})$ با $(\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})$ همبسته هستند. تخمین حداقل مربعات معمولی معادله (۵)، تخمین سازگار و بدون تورشی از β را بدست نمی‌دهد. از این رو باید ابزار معتبری را برای $(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2})$ پیدا کرد. با فرض اینکه (الف) جملات خطا به صورت سریالی همبسته نیستند:

$$E[\varepsilon_{i,t} \varepsilon_{i,s}] = 0 \text{ for } i=1, \dots, N \text{ and } s \neq t \quad (۵)$$

و (ب) حالات اولیه $Y_{i,t}$ از قبل تعیین شده هستند:

$$E[Y_{i,t} \varepsilon_{i,t}] = 0 \text{ for } i=1, \dots, N \text{ and } t \geq 2 \quad (۶)$$

ارلانو و بوند (Arellano & Bond, 1991) محدودیت‌های گشتاوری زیر را بیان می‌کنند:

$$E[Y_{i,s} (\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})] = 0 \text{ for } i=3, \dots, T \text{ and } s \geq 2 \quad (۷)$$

از آنجا که مقادیر دو دوره و یا بیشتر وقفه‌دار $Y_{i,t}$ با $(Y_{i,t-1} - Y_{i,t-2})$ و نه با $(\varepsilon_{i,t} - \varepsilon_{i,t-1})$ همبسته هستند، می‌توان آن‌ها را به عنوان ابزارهای معتبری برای معادله (۷) در نظر گرفت. با توجه به متغیرهای توضیحی، $X_{i,t}$ ، سه حالت ممکن وجود دارد: الف) اگر متغیرهای توضیحی $X_{i,t}$ اکیداً برون‌زا باشند (یعنی فرض شود متغیرهای توضیحی با همه مقادیر گذشته، حال و آینده جملات خطا ناهمبسته باشند)، از این رو همه مقادیر گذشته، حال و آینده $X_{i,t}$ ابزارهای معتبری برای معادله هستند. ب) اگر متغیرهای توضیحی $X_{i,t}$ از پیش تعیین شده باشند (یعنی فرض شود متغیرهای توضیحی با مقادیر گذشته و نه با مقادیر حال و آینده جملات خطا همبسته هستند)، از این رو مقادیر یک و یا بیشتر وقفه‌دار $X_{i,t}$ ابزارهای معتبری برای معادله هستند. ج) اگر متغیرهای توضیحی $X_{i,t}$ درون‌زا باشند (یعنی فرض شود مقادیر متغیرهای توضیحی با مقادیر گذشته و حال و نه آینده جملات خطا همبسته هستند)، از این رو مقادیر دو و یا بیشتر وقفه‌دار $X_{i,t}$ ابزارهای معتبری برای معادله هستند.

سازگاری تخمین‌زننده GMM به معتبر بودن فرض عدم همبستگی سریالی جملات خطا و ابزارها بستگی دارد که می‌تواند به وسیله دو آزمون تصریح شده توسط ارلانو و بوند (۱۹۹۱)، ارلانو و بوور (Arellano & Bover, 1995) و بلوندل و بوند (Blundell & Bond, 1998) آزمون شود. اولی آزمون سارگان (Sargan Test) است که معتبر بودن ابزارها را آزمون می‌کند. دومی آماره M2 است که وجود همبستگی سریالی مرتبه دوم در جملات خطای تفاضلی مرتبه اول را آزمون می‌کند. عدم رد فرضیه صفر هر دو آزمون شواهدی را دال بر فرض عدم همبستگی سریالی

و معتبر بودن ابزارها فراهم می‌کند.

نتایج تحقیق

تجزیه و تحلیل توصیفی داده‌ها

به منظور شناخت بهتر ماهیت جامعه‌ای که در پژوهش مورد مطالعه قرار گرفته است و آشنایی بیشتر با متغیرهای پژوهش، قبل از تجزیه و تحلیل داده‌های آماری و با توجه به اینکه کارکردهای این معیارها این است که می‌توان خصوصیات اصلی مجموعه‌ای از داده‌ها را به صورت یک عدد بیان کنند و بدین ترتیب افزون بر آن که به فهم بهتر نتایج یک آزمون کمک می‌کنند، مقایسه نتایج آن آزمون را با آزمون‌ها و مشاهدات دیگر نیز تسهیل می‌نماید. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۳ ارائه شده است.

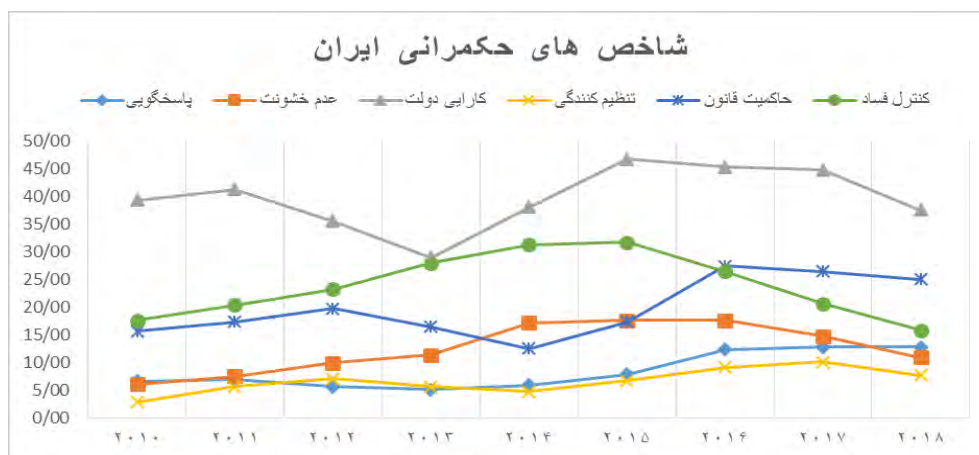
جدول ۳- شاخص‌های توصیف کننده داده‌های تحقیق

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
بی‌ثباتی سیاسی	۵۹/۹	۶/۷۶	۷۷/۵	۵۵
دولت رانتیر (نسبت درآمد منابع طبیعی از GDP)	۲۹/۹	۹/۱۷۸	۵۶/۹۶۴	۹/۶۰۷
شاخص حاکمیت قانون (حکمرانی خوب)	۳۱/۸۵۸	۲۶/۲۲	۸۰/۳۸۱	۰/۰۰۰
شاخص کنترل فساد (حکمرانی خوب)	۳۲/۵۱۸	۲۷/۳۶۷	۸۹/۰۴۷	۰/۹۴۷۸
شاخص کارایی دولت (حکمرانی خوب)	۳۶/۵۶۴	۲۶/۰۵۰	۹۱/۳۴۶	۱/۴۴۲۳
شاخص تنظیم گری (حکمرانی خوب)	۳۰/۹۳۸	۲۵/۲۱	۸۲/۹۶۲	۰/۴۸۰۷
شاخص پاسخگویی (حکمرانی خوب)	۲۲/۳۰۹	۱۲/۷۵۴	۵۳/۶۹۴	۲/۳۴۷۴
شاخص ثبات و عدم خشونت (حکمرانی خوب)	۳۲/۸۷۳۳	۲۵/۰۰۵	۹۲/۴۱۷	۱/۴۲۸۵۷۱

منبع: یافته‌های پژوهش

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر نسبت درآمد منابع طبیعی از GDP برابر با ۲۹/۹ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای متغیر نسبت درآمد منابع طبیعی از GDP برابر است با

۹/۱ درصد است. در ادامه وضعیت این شاخص‌ها برای اقتصاد ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو اوپک مرور می‌شود. نمودار ۲ شاخص‌های حکمرانی ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ به صورت زیر می‌باشد:



منبع: www.govindicators.org

نمودار ۲- شاخص‌های رتبه حکمرانی ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸

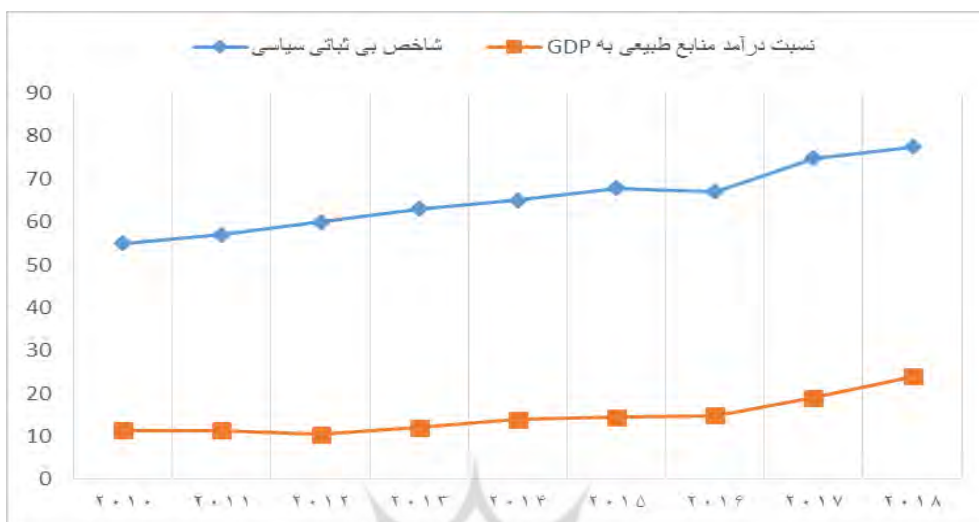
وضعیت شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی و دولت ران نیز برای کشور ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو اوپک به صورت نمودار ۳ می‌باشد:

همان‌طور که مشاهده می‌شود، روند شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی و درآمدهای رانتی هم‌جهت و رو به افزایش برای اقتصاد ایران به عنوان یکی از کشورهای عضو اوپک می‌باشد. در ادامه پس از بررسی توصیفی متغیرهای پژوهش، مدل پژوهش و آمار استنباطی مرور می‌گردد.

برآورد الگوی تحقیق

در ابتدا مانایی متغیرهای تحقیق بررسی شد که نتایج آزمون لوین، لین، چو (Levin Lin Chu LLC) برای آزمون مانایی داده‌های تابلویی تحقیق حاکی از مانا بودن تمام متغیرهای تحقیق دارد. برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده‌های پانل در برآورد مدل موردنظر کارآمد خواهد بود یا نه، از آزمون F لیمر و به منظور این که مشخص گردد کدام روش (اثرات

ثابت و یا اثرات تصادفی) جهت برآورد مناسب‌تر است (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت‌های واحدهای مقطعی) از آزمون هاسمن (Hausman Test) استفاده می‌شود. نتایج حاصل از این آزمون‌ها در جدول (۴) ارائه شده است.



نمودار ۳: شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی و دولت رانتیر ایران طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸

منبع: WDI, 2020 و <https://www.prsgroup.com>

جدول ۴- نتایج آزمون F لیمر

آماره	سطح خطا	روش پذیرفته شده
۳۵/۸۴۱	۰/۰۰۰	الگوی داده‌های تابلویی

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج حاکی از رد فرض صفر است. در نتیجه الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت پذیرفته شده است؛ بنابراین باید برای انتخاب از بین الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت و الگوی اثرات تصادفی، آزمون هاسمن نیز انجام شود. در ادامه نتایج مربوط به این آزمون در جدول (۵) آورده شده است.

جدول ۵- نتایج آزمون هاسمن

نتایج آزمون اثرات ثابت	آماره مربع کای	درجه آزادی	احتمال
۳۰/۱۴	۲	۰/۰۴۹	

همان‌طور که مشاهده می‌شود، نتایج حاکی از رد فرضیه صفر است، در نتیجه روش الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت پذیرفته شده است. در نهایت با توجه به نتایج آزمون F لیمر و آزمون هاسمن، مدل پژوهش با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی با اثرات ثابت از رابطه ۱ برآورد شده است. در ادامه نتایج مربوط به آزمون، در جدول (۶) ارائه شده است. برای سنجش اعتبار مدل و بررسی مفروضات رگرسیون کلاسیک لازم است علاوه بر بررسی عدم وجود هم‌خطی بین متغیرهای مستقل وارد شده در مدل، آزمون‌هایی در ارتباط با نرمال بودن باقیمانده‌ها، همسانی واریانس‌ها، استقلال باقیمانده‌ها و عدم وجود خطای تصریح مدل (خطی بودن مدل) نیز انجام شود. برای آزمون نرمال بودن جملات خطا از آزمون‌های مختلفی می‌توان استفاده کرد. یکی از این آزمون‌ها، آزمون جارکیو- برا (Jarque-Bera Test) می‌باشد که در این پژوهش نیز از این آزمون استفاده شده است. نتایج آزمون جارکیو- برا حاکی از این است که باقیمانده‌های حاصل از برآورد مدل تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪ از توزیع نرمال برخوردار هستند، به طوری که احتمال مربوط به این آزمون بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد. یکی دیگر از مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک همسانی واریانس باقیمانده‌ها می‌باشد. در صورتی که واریانس‌ها ناهمسان باشند برآورد کننده خطی نارایب نبوده و کم‌ترین واریانس را نخواهد داشت. در این مطالعه برای بررسی همسانی واریانس‌ها از آزمون برش پاگان استفاده شده است. با توجه به سطح اهمیت این آزمون که کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، فرضیه صفر مبنی بر وجود همسانی واریانس رد شده و می‌توان گفت مدل دارای مشکل ناهمسانی واریانس می‌باشد. در این مطالعه برای رفع این مشکل در برآورد از روش برآورد حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است. هم‌چنین در این مطالعه برای آزمون همبستگی نمودن باقیمانده‌ها که یکی از مفروضات تجزیه و تحلیل رگرسیون می‌باشد و خودهمبستگی نامیده می‌شود از آزمون دوربین واتسون (D-W) استفاده شده است. با توجه به نتایج اولیه برآورد مدل مقدار آماره دوربین واتسون برابر با ۱/۸ بوده و از آنجایی که مابین ۱/۵ و ۲/۵ است، می‌توان نتیجه گرفت باقیمانده‌ها مستقل از هم هستند. علاوه بر این، برای آزمون این که مدل دارای رابطه خطی است و این که آیا مدل مورد نظر تحقیق از نظر رابطه خطی بودن و یا غیرخطی بودن درست تبیین شده است یا خیر از آزمون رمزی استفاده گردیده است. با توجه به این که سطح اهمیت آزمون رمزی (۰/۷۸۴۵) بزرگ‌تر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه صفر این آزمون مبنی بر خطی بودن مدل تأیید شده و مدل دارای خطای تصریح نمی‌باشد. خلاصه نتایج آزمون‌های فوق در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶- نتایج آزمون‌های مربوط به مفروضات آماری مدل تحقیق

آماره Ramsey		آماره Durbin-Watson	آماره Breusch-Pagan		آماره Jarque-Bera	
P-Value	F	D	P-Value	F	P-Value	X ²
۰/۷۸۴۵	۰/۲۴۲۷	۱.۸	۰/۰۰۹۷	۳۲/۸۴۱	۰/۳۳۹۴	۱/۴۶۷۲

جدول ۷- نتایج پژوهش با استفاده از روش اثرات ثابت (GMM)

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	ضریب معناداری
متغیر بی‌ثباتی سیاسی با یک وقفه	۰/۰۴۰۲۶۴	۰/۰۰۵۸۰۹	۶/۹۳۰۲۵۲	۰/۰۰۰۱
دولت رانتیر	۸/۱۵۶۰۳۳	۲/۷۵۹۴۴۴	۲/۹۵۵۶۸۴	۰/۰۰۲۲
شاخص پاسخگویی از حکمرانی خوب	-۱/۰۹۴۴۰۷	۰/۰۸۶۲۲۱	-۱۲/۶۹۳۰۰	۰/۰۰۰
شاخص کارایی دولت از حکمرانی خوب	-۰/۰۴۱۱۲۳	۰/۰۱۳۳۱۳	-۳/۰۸۸۸۴۵	۰/۰۰۱۰
شاخص کنترل فساد از حکمرانی خوب	-۰/۳۲۸۵۱۴	۰/۰۳۴۸۹۶	-۹/۴۱۴۰۹۷	۰/۰۰۰۰
شاخص حاکمیت قانون از حکمرانی خوب	-۰/۰۲۰۶۶۲	۰/۰۰۵۹۸۷	-۳/۴۵۱۲۹۰	۰/۰۰۰۸
شاخص ثبات و عدم خشونت از حکمرانی خوب	-۲/۱۸۶۲۲۷	۰/۲۱۸۴۲۵	-۱۰/۰۰۹۰۳	۰/۰۰۰۰
شاخص تنظیم‌کنندگی از حکمرانی خوب	-۱/۸۲۵۰۰۱	۰/۶۰۵۴۶۴	-۳/۰۱۴۲۲۰	۰/۰۰۲۶
دولت رانتیر* پاسخگویی	-۲/۹۱۴۷۷۶	۰/۴۷۹۶۲۹	-۶/۰۷۷۱۴۵	۰/۰۰۰۰
دولت رانتیر* کارایی دولت	-۷/۶۴۱۳۳۶	۴/۱۴۶۹۹۹	-۱/۸۴۲۵۹۴	۰/۰۶۸۶
دولت رانتیر* کنترل فساد	-۰/۲۴۵۳۳۲	۰/۱۱۰۵۲۵	-۲/۲۱۹۷۰۰	۰/۰۴۴۶
دولت رانتیر* حاکمیت قانون	-۵/۳۴۵۵۵	۲/۰۰۹۷۶۷	-۲/۶۵۹۷۸۶	۰/۰۳۸۸
دولت رانتیر* ثبات و عدم خشونت	-۵/۷۵۵۴۴	۱/۹۶۴۷۵۳	-۲/۹۲۹۳۴۶	۰/۰۲۶۹
دولت رانتیر* تنظیم‌کنندگی	-۵/۳۲۷۰۲۰	۱۴/۱۵۸۹۵	-۰/۳۷۶۲۳۰	۰/۷۰۷۶
تولید ناخالص داخلی	-۲/۱۷۵۴۴۳	۰/۴۸۷۹۳	-۴/۴۵۸۵۳۹	۰/۰۰۳۸
نرخ تورم	۱/۷۵۴۴۴۳	۰/۶۹۲۱۲	۲/۵۳۴۸۶۸	۰/۰۳۹۵
نرخ بیکاری	۴/۹۹۶۵۸۰	۱/۹۹۸۶۷۴	۲/۴۹۹۹۴۷	۰/۰۱۴۲
درجه باز بودن تجاری	-۱/۷۷۴۸۱۵	۰/۸۴۰۵۷۹	-۲/۱۱۱۴۱۹	۰/۰۳۷۴
نابرابری درآمدی (ضریب جینی)	۱/۵۶۱۷۱۴	۰/۶۷۰۸۸۸	۲/۳۲۷۸۶۰	۰/۰۲۲۱
نسبت شهرنشینی	۰/۰۰۰۸۹۰	۰/۰۰۰۳۳۷	۲/۶۴۳۹۵۱	۰/۰۲۱۶
رشد جرم و جنایت	۰/۰۰۴۱۷۲	۰/۰۰۰۹۶۱	۱۰/۵۳۱۱۹	۰/۰۰۰۱
نسبت جمعیت فعال	۶/۴۵۳۴۳۴	۱/۹۹۹۹۵۷	۳/۲۲۶۷۸۷	۰/۰۱۸۷
آماره دوربین-واتسون	۱/۸	۰/۶۸	ضریب تعیین (R ²)	
آماره سارگان	۳/۱۵	۰/۶۳	تعدیل شده (R ²)	
Prob F	۰/۰۰۰		آماره لیمر F = ۳۲/۸۴۱	

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از آزمون‌های F لیمر و هاسمن و همچنین نتایج آزمون مفروضات آماری رگرسیون کلاسیک، مدل پژوهش با استفاده از روش داده‌های پانل و به صورت اثرات ثابت GMM برآورد می‌شود. نتایج برآورد مدل در جدول (۷) ارائه شده است.

با توجه به ضریب تعیین نشان از برآزش خوب الگو است و متغیرهای استفاده شده در آن قدرت توضیح دهنده‌ی مدل را به میزان ۶۳ درصد نشان می‌دهد که با توجه به آنکه روش مورد استفاده داده‌های تابلویی است عدد خوبی است. دوربین واتسون نیز نشان از عدم وجود خودهمبستگی است و عدد $1/8$ را نشان می‌دهد. آماره F در این برآزش نیز برابر صفر بودن ضرایب را رد می‌کند. علامت ضرایب نیز همگی مطابق با تئوری و مبانی نظری ارائه شده است و با توجه به احتمال ضرایب حاکی از تأثیرگذاری کلیه متغیرهای استفاده شده در این پژوهش و معنی‌دار بودن آن‌ها است؛ و با توجه به احتمال ضرایب حاکی از تأثیرگذاری کلیه متغیرهای استفاده شده در این تحقیق و معنی‌دار بودن آن‌ها است. آماره‌ی z-statistic که همان آماره سارگان است که برای آزمون همبستگی پسماندها و متغیرهای ابزاری استفاده می‌شود. همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود، تمام متغیرهای برآورد شده از علامت‌های سازگار با تئوری برخوردارند. آماره‌ی آزمون سارگان نیز که دارای توزیع خی دو با درجه‌ی آزادی برابر با تعداد محدودیت‌های بیش از حد مشخص است، آزمون صفر مبنی بر همبسته بودن پسماندها با متغیرهای ابزاری را رد می‌کند. در نتیجه، اعتبار نتایج جهت تفسیر تأیید می‌شوند. در تفسیر آماره‌ی سارگان (۳/۱۵) می‌توان گفت همبستگی بین باقیمانده‌های تخمین که می‌تواند باعث اریب در ضرایب تخمینی شود، در این آزمون رد می‌شود. در واقع این آزمون ارتباط بین باقیمانده‌های تخمین را بررسی می‌کند تا مشکل خودهمبستگی به عنوان یکی از مشکلات احتمالی کلاسیک رگرسیون را آزمون کند؛ که در نهایت وجود این خودهمبستگی رد شده و نتایج تخمین کاملاً دقیق و بدون اریب است.

به طور تفکیکی نتایج به قرار زیر است:

تأثیر متغیر دولت رانتیر بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک برابر ضریب $8/15$ مثبت و معنی‌دار است و تأثیر شاخص‌های پاسخگویی، کارایی دولت، کنترل فساد، حاکمیت قانون و ثبات و عدم خشونت به عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک به ترتیب $1/09$ ، $-0/04$ ، $-0/032$ ، $-0/02$ ، $-2/18$ و $-1/82$ منفی و معنی‌دار هستند.

جدول ۸: نتایج پژوهش جهت بررسی استحکام مدل؛ متغیر وابسته بی‌ثباتی سیاسی^۱

متغیر	مدل پانل با اثرات ثابت	مدل ۲ GMM	مدل ۲ پانل با اثرات ثابت
متغیر بی‌ثباتی سیاسی با یک وقفه	-	۰/۰۸۹**	-
دولت رانتیر	۰/۲۱۴**	۰/۵۸۹**	۰/۶۹۳**
دولت رانتیر را یک وقفه	۰/۱۲۰*	۰/۰۱۲	۰/۰۰۵
شاخص پاسخگویی از حکمرانی خوب	۰/۱۵۹*	-۰/۰۳۶*	-۰/۳۶۹**
شاخص کارایی دولت از حکمرانی خوب	۰/۳۲۴*	-۰/۶۳۹*	-۰/۱۴۸
شاخص کنترل فساد از حکمرانی خوب	-۰/۸۸۷**	-۰/۸۶۵**	-۰/۷۴۵**
شاخص حاکمیت قانون از حکمرانی خوب	-۰/۹۳۷**	-۰/۹۸۷**	-۰/۹۵۴**
شاخص ثبات و عدم خشونت از حکمرانی خوب	-۰/۵۰۷**	-۰/۶۰۱**	-۰/۴۱۳**
شاخص تنظیم‌کنندگی از حکمرانی خوب	-۰/۰۲۱	-۰/۰۹۶*	-۰/۰۳۷
دولت رانتیر * پاسخگویی	-۰/۰۲۱*	-۰/۰۱۹*	-۰/۴۷۰*
دولت رانتیر * کارایی دولت	۰/۰۲۵*	-۰/۶۸۵*	-۰/۰۰۶
دولت رانتیر * کنترل فساد	-۰/۴۵۸*	-۰/۶۵۹**	-۰/۰۹۶*
دولت رانتیر * حاکمیت قانون	-۰/۶۵۳*	-۰/۴۶۳*	-۰/۱۰۳*
دولت رانتیر * ثبات و عدم خشونت	-۰/۱۱۴*	-۰/۴۱۵	-۰/۴۱۵
دولت رانتیر * تنظیم‌کنندگی	-۰/۱۶۹	-۰/۶۷۴	-۰/۴۷۵*
تولید ناخالص داخلی	-	-	۰/۱۲۴*
نرخ تورم	-	-	۰/۱۳۷*
نرخ بیکاری	۰/۴۲۱**	۰/۸۰۱*	-
درجه باز بودن تجاری	-۰/۴۳۳*	-۰/۱۰۰**	-۰/۲۱۴**
نابرابری درآمدی (ضریب جینی)	۰/۴۱۷*	۰/۲۵۰	-
نسبت شهرنشینی	۰/۴۱۲**	-	۰/۳۶۹*
رشد جرم و جنایت (شاخصی برای عدم سرمایه اجتماعی)	۰/۱۵۹*	-	-۰/۱۷۷**
فرار مغزها	۰/۵۸۷**	۰/۶۹۳*	۰/۰۰۸
سرمایه انسانی	-۰/۰۳۲	-۰/۱۰۸*	-۰/۰۰۷
تغییرات نرخ ارز	۰/۱۹۹*	۰/۸۵۶**	۰/۱۶۶**
آماره R ²	۰/۵۹	۰/۶۱	۰/۵۸
آماره سارگان	-	۳/۰۷	-

منبع: یافته‌های پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - عدد ضریب متغیر را نشان می‌دهد. علامت دو ستاره به معنای معناداری متغیر با خطای ۰.۰۱ و علامت یک ستاره به معنای معناداری متغیر با خطای ۰.۰۵ می‌باشد. متغیر نرخ ارز کشورها بر اساس نرخ ارز رسمی کشورها نسبت به دلار در نظر گرفته شده است. متغیر فرار مغزها بر اساس آمار مهاجرت نخبگان از سایت www.theglobaleconomy.com برای گروه کشورها اتخاذ شده است. شاخص سرمایه انسانی نیز بر اساس تعداد افراد تحصیل کرده متوسطه از منبع WDI اتخاذ شده است.

اثرات تعاملی سه شاخص پاسخگویی، کنترل فساد و حاکمیت قانون به همراه دولت رانتیر نیز بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک به ترتیب ۲/۹۱-، ۰/۲۴- و ۵/۳۴- منفی و معنی‌دار هستند.

همچنین اثر متغیر کنترل تولید ناخالص داخلی بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک برابر ضریب ۲/۱۷- منفی و معنی‌دار می‌باشد و اثرات متغیرهای تورم، نرخ بیکاری، شاخص درجه باز بودن تجاری و شاخص ضریب جینی و نرخ شهرنشینی و میزان جرم و جنایت بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک همگی مثبت و معنی‌دار می‌باشند.

در انتها برای استحکام نتایج، متغیرهای کنترلی مدل تغییر می‌یابند تا مشخص شود نتایج تحقیق از ثبات بالایی برخوردار هستند، لذا چندین مدل در جدول (۸) تخمین زده می‌شود.

با توجه به ضریب تعیین نسبتاً بالای تمامی مدل‌ها، نشان از برازش خوب الگو است و متغیرهای استفاده شده در آن قدرت توضیح دهنده‌ی مدل‌ها به ترتیب به میزان ۰/۵۹، ۰/۶۱ و ۰/۵۸ درصد نشان می‌دهد که با توجه به آنکه روش مورد استفاده داده‌های تابلویی است عدد خوبی است. مانایی تمامی متغیرهای تحقیق با استفاده از روش لوین لاین چو بررسی شده که همگی مانا هستند. آماره‌ی سارگان در مدل دوم GGM همبستگی بین باقیمانده‌های تخمین رد می‌شود. دیگر فروش کلاسیک همچون هم خطی، خودهمبستگی و واریانس ناهمسانی مدل‌ها بررسی شده است که نتایج وجود فروض کلاسیک را تأیید می‌کند.

نتایج سه مدل اضافی جدول ۸ نیز همانند مدل اصلی پژوهش حاکی از تأثیر مثبت متغیر دولت رانتیر و همچنین متغیر وقفه‌دار شاخص رانت دولتی بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک است و تأثیر شاخص‌های پاسخگویی، کارایی دولت، کنترل فساد، حاکمیت قانون و ثبات و عدم خشونت به عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک منفی و معنی‌دار هستند. اثرات تعاملی سه شاخص پاسخگویی، کنترل فساد و حاکمیت قانون به همراه دولت رانتیر نیز بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک در اکثر مدل‌ها منفی و معنی‌دار هستند. لذا نتایج این مدل‌ها، نتایج مدل اصلی پژوهش را تأیید می‌کنند. اثر شاخص‌های فرار مغزها و تغییرات (نوسانات یا انحراف معیار) نرخ ارز در اکثر مدل‌ها اثر مثبت و معنادار بر بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک داشته است. متغیر سرمایه انسانی نیز در مدل دوم GMM مثبت و معنادار بوده است.

نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، تحلیل اثرات تعاملی حکمرانی خوب و دولت رانتیر بر بی‌ثباتی سیاسی کشورهای عضو اوپک با استفاده از روش گشتار تعمیم‌یافته GMM بود. بر اساس نتایج حاصل از پژوهش، تأثیر متغیر دولت رانتیر بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک مثبت و معنی‌دار بود. همچنین تأثیر شاخص‌های پاسخگویی، کارایی دولت، کنترل فساد، حاکمیت قانون و ثبات و عدم خشونت به عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک نیز منفی و معنی‌دار است. اثرات تعاملی سه شاخص پاسخگویی، کنترل فساد و حاکمیت قانون به همراه دولت رانتیر نیز بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک منفی و معنی‌دار بودند. همچنین اثر متغیر کنترل تولید ناخالص داخلی بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک منفی و معنی‌دار است و اثرات متغیرهای تورم، نرخ بیکاری، شاخص درجه باز بودن تجاری و شاخص ضریب جینی و نرخ شهرنشینی و میزان جرم و جنایت بر شاخص بی‌ثباتی سیاسی کشورهای اوپک مثبت و معنی‌داراند.

این نتایج با یافته‌های مکوندی و همکاران (۱۳۹۷)، زنوزی و همکاران (۱۳۹۳)، پلیزو (۲۰۲۰) و گینه (۲۰۱۶) همسو و با یافته‌های معینی فرد و مهرآرا (۱۳۹۴) و دورو (۲۰۰۹) ناهم‌سوست. نتایج حاصل از پژوهش مکوندی و همکاران (۱۳۹۷) نشان می‌دهد که قانون‌مندی، کیفیت خدمات، نظارت و ارزیابی، پاسخگویی، تعهد و مسئولیت‌پذیری و درنهایت تعامل مهم‌ترین شاخص‌های ثبات سیاسی هستند. نتایج پژوهش زنوزی و همکاران (۱۳۹۳) حاکی از آن است که درآمدهای نفتی اثر منفی و معناداری بر شاخص حکمرانی خوب داشته و حاکی از تأثیر منفی و معنادار درآمدهای نفتی بر شاخص‌های کنترل فساد، ثبات سیاسی و اعتراض و پاسخگویی است. از سوی دیگر، درآمدهای نفتی بر روی اثربخشی دولت و کیفیت قوانین اثر منفی و روی قانون‌مداری اثر مثبت داشته، اما این تأثیرات معنادار نبوده است. یافته‌های پلیزو (۲۰۲۰) نشان می‌دهد ثبات یک سیستم حزبی به شدت و به‌طور قابل توجهی با هر کدام از شاخص‌های حکمرانی خوب (حاکمیت قانون، کیفیت نظارت، توانایی کنترل فساد، پاسخگویی و کارایی دولت) مرتبط است. نتایج پژوهش گینه (۲۰۱۶) نیز حاکی از آن است که کشورهای نیمه‌رانتیر یا اقتصادهای رانتی ممکن است از نظر سیاسی بی‌ثبات باشند.

نتایج این پژوهش با مبانی نظری پژوهش نیز قابل تفسیر است. بر اساس نظریه دولت رانتیر و نظریه نفرین منابع، افزایش درآمدهای رانتی می‌تواند در بلندمدت باعث تنش‌های سیاسی و بی‌ثباتی سیاسی شود. در واقع افزایش درآمدهای رانتی وقتی با شاخص‌های حکمرانی ضعیفی همچون حاکمیت ضعیف قانون، عدم پاسخگویی و فساد گسترده همراه باشد، این درآمدهای رانتی صرف سرکوب، حامی‌پروری و توزیع رانت بین گروه‌های محدود قدرت شود و رقابت بین گروه‌های محدود قدرت از یک طرف و نارضایتی مردم از این توزیع رانت از طرف دیگر، شرایط را برای تغییرات گسترده و بی‌ثباتی‌های سیاسی در هر لحظه فراهم خواهد کرد.

بر اساس استدلال راس، می‌توان این‌گونه ادعا کرد که دولت‌های غنی از منابع تمایل به استفاده از رانت برای کاهش فشار اجتماعی دارند و در این روش استقلال بیشتری در مقابل مردم به دست می‌آورند. راس با توجه به عوامل تبیین‌کننده تأثیر رانتیر یعنی تأثیرات مالیات، مخارج و تشکیل گروه استدلال می‌کند از آنجا که درآمد کافی حاصل از صادرات انرژی به خزانه دولت جریان می‌یابد، دولت‌ها در تلاش برای آماده کردن فضا جهت کسب درآمدهای مالیاتی نیستند؛ در نتیجه، مردم کمتر خواهان دموکراسی و پاسخگویی از طرف دولت هستند و وضعیتی به وجود می‌آید که «بدون مالیات هیچ نمایندگی» در دولت‌های رانتیر وجود ندارد؛ بنابراین استدلال می‌شود که سیستم مالیاتی در دولت‌های رانتیر باعث می‌شود شهروندان کم‌تر خواهان مشارکت سیاسی شوند و یا اساساً به آن‌ها چنین اجازه‌ای داده نمی‌شود. از طرف دیگر بر اساس نظریه هانتینگتون چون این دولت‌ها فاقد نهادهای سیاسی لازم برای جذب این مشارکت هستند؛ این گروه‌ها دچار سرخوردگی شده و ضمن ناامید گشتن از امکان فعالیت سیاسی در قالب مجاری قانونی و رسمی خارج از نهادهای موجود، کنش‌های خود را سامان می‌دهند که به بی‌ثباتی سیاسی به انواع طرق کودتا، شورش، طغیان، جنگ استقلال‌طلبانه و انقلاب منجر می‌گردد.

بر اساس استدلال راس، مشروعیت حکام از طریق رانت به جای انتخابات آزاد، باعث می‌شود تا دولت‌های رانتیر بیشتر درآمد خود را در شبکه‌های حامی - پیرو سرمایه‌گذاری کنند تا از ظهور خواسته‌های دموکراتیک شهروندان جلوگیری شود. راس بر این اعتقاد است که دولت‌های رانتیر تمایل به تشکیل گروه‌های حامی - پیرو برای جلوگیری از تشکیل گروه‌های اجتماعی مستقل از دولت دارند. به بیان دیگر، مخالفت با وضع موجود یا گروه‌های اجتماعی مستقل به احتمال زیاد توسط دولت‌ها سرکوب می‌شود زیرا آن‌ها به‌عنوان تهدیدی برای موجودیت دولت‌های خود تلقی

می‌شوند که این مسئله بی‌ثباتی سیاسی رژیم را در پی دارد.

با توجه به نتایج تحقیق که نشان می‌دهد اثر دولت رانتیر بر بی‌ثباتی سیاسی مثبت و اثرات شاخص‌های حکمرانی بر بی‌ثباتی سیاسی منفی است، اولین توصیه برای کشورهای عضو اوپک، تضعیف وضعیت دولت رانتیر (کاهش درآمدهای منابع طبیعی نسبت به GDP) و دومین پیشنهاد تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب همچون تقویت پاسخگویی، کارایی دولت، کنترل فساد، حاکمیت قانون و ثبات و عدم خشونت می‌باشد. همچنین با توجه به اینکه اثرات تعاملی دولت رانتیر و سه شاخص پاسخگویی، کنترل فساد و حاکمیت قانون منفی و معنادار بوده است، توصیه می‌شود در صورت افزایش درآمدهای منابع طبیعی نسبت به GDP و تقویت دولت رانتیر، سیاست‌های مبتنی بر تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب در پیش گرفته شود تا از این طریق درآمدهای رانتی به صورت کارا و بهینه توزیع شود و بی‌ثباتی سیاسی را کاهش دهد. این موضوع به صورت تجربی در بین کشورهای اوپک در مقایسه با کشورهایی همچون نروژ، آمریکا و... که دارای درآمدهای سرشار نفتی و بی‌ثباتی پایین سیاسی هستند قابل تأمل می‌باشد.

References

- [1] Almaz, A. (2015). Testing the Rentier State Theory: The Case of Azerbaijan. *Journal of Global Analysis*, 5.
- [2] Auty, R. M. (1993). *Sustaining Development in Mineral Economies: The resource curse thesis*. London: Routledge.
- [3] Auty, R. M. (2001). The political economy of resource-driven growth. *European economic review*, 45(4-6), 839-846.
- [4] Beblawi, H. (1990). *The rentier state in the Arab world*. Arab Studies Quarterly. Berkeley: University of California Press.
- [5] Beblawi, H., & Luciani, G. (Eds.). (1987). *the rentier state*. London, Croom Helm.
- [6] Billon, P. L. (2005). *The Geopolitics of Resource Wars: Resource Dependence. Governance and Violence*. London: Frank Cass.
- [7] Caselli, F., & Tesei, A. (2016). Resource windfalls, political regimes, and political stability. *Review of Economics and Statistics*, 98(3), 573-590.
- [8] Chaudhry, K. A. (1994). Economic liberalization and the lineages of the rentier state. *Comparative Politics*, 1-25.
- [9] Davis, T. J. (2017). Good governance as a foundation for sustainable human development in sub-Saharan Africa. *Third World Quarterly*, 38(3), 636-654.
- [10] Dowding, K. M., & Kimber, R. (1983). The meaning and use of 'political stability'. *European Journal of Political Research*, 11(3), 229-243.

- [11] Dower, A. (2000). Good Governance: Guiding Principle for Implementation. *Australia, Ministry for Foreign Affairs*.
- [12] Duero, A. (2009). The Iranian Rentier State:: Rentierism, Political Stability and Economic Development in Iran. VDM Verlag.
- [13] Engel, J. R., Westra, L., & Bosselmann, K. (Eds.). (2009). Democracy, Ecological Integrity and International Law. Cambridge Scholars Publishing.
- [14] Fearon, J. D. (2005). Primary commodity exports and civil war. *Journal of conflict Resolution*, 49(4), 483-507.
- [15] Goldsmith, A. A. (1987). Does political stability hinder economic development? Mancur Olson's theory and the Third World. *Comparative Politics*, 19(4), 471-480.
- [16] Graham, J., Plumptre, T. W., & Amos, B. (2003). Principles for good governance in the 21st century. Ottawa: Institute on governance.
- [17] Gurr, T. R. (1974). Persistence and change in political systems, 1800-1971. *The American Political Science Review*, 68(4), 1482-1504.
- [18] Gyene, P. I. (2016). "Rentier states" or the relationship between regime stability and exercising power in post-Soviet Central Asia. *Society and Economy in Central and Eastern Europe*, 38(2), 171-191.
- [19] Herb, M. (2005). No representation without taxation? Rents, development, and democracy. *Comparative Politics*, 37(3): 297-316.
- [20] Kaufmann, D., Kraay, A., & Mastruzzi, M. (2004). Governance matters III: Governance indicators for 1996, 1998, 2000, and 2002. *The World Bank Economic Review*, 18(2), 253-387.
- [21] Kuru, A. (2008). The Rentier State Model and Central Asian Studies: The Turkmen Case. *Alternatives: Turkish Journal of International Relations*, 7(1).
- [22] Lockwood, M., Davidson, J., Curtis, A., Stratford, E., & Griffith, R. (2010). Governance principles for natural resource management. *Society and natural resources*, 23(10), 986-1001.
- [23] Luciani, G. (1990). Allocation vs. production states: A theoretical framework. *The Arab State*, 65-84.
- [24] Makvandi, F., Zare, H., Jalili Ghasem Agha, O. (2019). Citizen Perception of Political Stability and Political Displacement Indicators in Good Governance based on Native Components of Iranian Urban Utilities Organizations (Case Study: Governmental Organizations of Khuzestan Province), *Journal of Organizational Culture Management*, 16(4): 927-950. (In Persian)
- [25] Meissner, H. (2010). The resource curse and rentier states in the Caspian region: A need for context analysis. Germany: German Institute of Global and Area Studies.
- [26] Mirebeigi, S.V. (2016). A comparative study of the relationship between Rentierism and good governance pattern; Study of six countries: Iran, Kuwait, Azerbaijan, Indonesia, Malaysia and Turkey, *Journal of Social sciences*, 23(73): 117-170. (In Persian)
- [27] Moeinifard, M & Mehrara, M. (2015). Effect of Abundance of Natural Resources on Governance Quality in Developing Countries, *Journal of*

- Economic Development Policy, 3(4): 9-32. (In Persian)
- [28] Mohseni Zonouzi, S.J., Shahbazi, K., Parnak, R. (2015). The Effects of Oil Revenues on Good Governance Indicator in Selected OPEC Member Countries, *Journal of Economic Development Policy*, 2(4): 117-156. (In Persian)
- [29] Nir, A. E., & Kafle, B. S. (2013). The effect of political stability on public education quality. *The International Journal of Educational Management*, 27(2), 110-126.
- [30] Oni, S., & Excellence-Oluye, N. (2019). Leadership and Good Governance: The Nigerian Experience. *LASU Journal of Public Administration and Management*, 1(1), 112-129.
- [31] Pelizzo, R. (2020). Good Governance and Party System Change. *Politics & Policy*, 48(2), 265-287.
- [32] Pomeranz, E. F., & Stedman, R. C. (2020). Measuring good governance: piloting an instrument for evaluating good governance principles. *Journal of Environmental Policy & Planning*, 22(3), 428-440.
- [33] Ross, M. L. (2001). Does oil hinder democracy? *World politics*, 325-361.
- [34] Rosser, A. (2006). The political economy of the resource curse: A literature survey. Institute of Development Studies at the University of Sussex.
- [35] Sachs, J. D., & Warner, A. M. (1995). Natural resource abundance and economic growth (No. w5398). Cambridge, MA: National Bureau of Economic Research.
- [36] Sheng, Y. K. (2009). What is good governance? United Nations Economic and Social Commission for Asia and the Pacific. Date unknown.
- [37] Stoker, G. (1998). Governance as theory: five propositions. *International social science journal*, 50(155), 17-28.
- [38] Unescape (2008). Poverty and Development Division Good Governance, UN Web Site Locator.
- Van der Walddt, G. (2012). Measuring the goodness of governance: Macro, intermediate and micro perspectives. *African Journal of Public Affairs*, 5(1): 83-96].
- [39] Van Doeveren, V. (2011). Rethinking good governance: Identifying common principles. *Public Integrity*, 13(4), 301-318.
- [40] Venâncio de Vasconcelos, M. (2020). Political Stability and Bank Flows: New Evidence. *Journal of Risk and Financial Management*, 13(3), 56.
- [41] Young, E. W. (2020). Theorizing the Influence of Wartime Legacies on Political Stability after Rebel Victories. *Studies in Conflict & Terrorism*, 1-25.
- [42] Zarghani, S.H., Azami, H., Ahmadi, R. (2014). Investigation and Recognition of Variables Affecting Political System's Instability, *Journal of International Quarterly of Geopolitics*, 10(35): 76-94. (In Persian)